

طراحی الگوی مدیریت ریسک بنگاه شرکت‌های بیمه برای پیاده‌سازی آیین‌نامه حاکمیت شرکتی

دکتر بهنام شهریار^۱

چکیده

هدف اصلی از این مقاله ارائه یک الگوی مدیریت ریسک بنگاه برای مؤسسات بیمه در راستای استقرار نظام حاکمیت شرکتی، با ملاحظات نظارتی است. در این راستا، ابتدا اقدام به معرفی مبانی نظری استانداردها و چارچوب‌های بین‌المللی مدیریت ریسک بنگاه نموده و سپس، مطابق با اصول اساسی انجمن بین‌المللی ناظران بیمه (IAIS)، به ارائه یک الگوی نظری جهت استقرار مدیریت ریسک بنگاه بر مبنای سیستم ارزیابی توانگری مالی و ریسک‌های تحت مالکیت (ORSA)، در شرکت‌های بیمه پرداختیم. در ادامه، ضمن تشریح پیامدهای فقدان الگوی مدون مدیریت ریسک شرکت‌های بیمه ایرانی، یکی از علل اصلی افت نسبت توانگری مالی (SMR) شرکت‌های بیمه را فقدان این چارچوب معرفی نمودیم. در پایان، به ارائه یک ساختار پیشنهادی و همچنین نقش و جایگاه این ساختار در اداره شرکت‌های بیمه با ملاحظات نظارتی و حاکمیتی پرداخته شد. در این الگوی پیشنهادی، ضمن بیان نحوه تعامل واحد مدیریت ریسک با واحدهای مختلف شرکت بیمه مبتنی بر همکاری دوجانبه پرداخته و یک سیستم گزارشگری مبتنی بر نوعی خوداظهاری ریسک به بیمه مرکزی ج.ا.ایران پیشنهاد نمودیم.

واژگان کلیدی: مدیریت ریسک بنگاه، حاکمیت شرکتی، نظارت، ORSA، توانگری مالی

۱. مقدمه

کلیه سازمان‌ها، شرکت‌ها و نهادها اعم از کوچک و بزرگ، خصوصی یا عمومی، دولتی و یا غیردولتی در هر سطح از عملکرد و در هر زمان و مکان با دامنه‌ای از ریسک‌ها و فرصت‌ها که می‌توانند بر کارکرد آن‌ها و دستیابی به اهدافشان تأثیر بگذارند، مواجه هستند. میزان اهمیت این ریسک‌ها برای همه سازمان‌ها یکسان نیستند و عوامل درونی (مانند نوع فعالیت، اندازه، منابع مالی، شهرت، ساختار سازمانی و ...) و عوامل بیرونی (مانند وضعیت اقتصاد کشور، قوانین و مقررات، نرخ‌های سود و ارز، تحولات اقتصادی و اجتماعی، کیفیت زیرساخت‌های جامعه و همچنین مخاطرات طبیعی) به مقدار زیادی بر میزان این اهمیت تأثیر می‌گذارند.

باتوجه به سیستم‌های اقتصادی جدید و تغییرات مداوم در عوامل محیطی بالاخص پس از بحران سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ و ورشکستگی شرکت‌های بیمه بزرگ نظیر AIG، موضوع مدیریت ریسک بنگاه در نحوه اداره شرکت‌های مالی از جمله بیمه‌گران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. در دهه اخیر، در قالب نظارت مالی، توجه به خودارزیابی توانگری مالی و ریسک‌های تحت مالکیت (ORSA)^۱ که توسط شرکت‌های بیمه و نهادهای ناظر جهت ارزیابی سیستم مدیریت ریسک بنگاه با هدف حمایت از ثبات سرمایه الزامی و توانگری مقرراتی و داخلی بیمه‌گران استفاده می‌شود، بیشتر شده است. این شیوه از بالا به پایین بوده و در سطح کلان بنگاه به مدیریت ریسک می‌پردازد (IAIS, 2008a,b).

در کنار رشد و توسعه اقتصادی کشور، لزوم افزایش ضریب نفوذ بیمه به‌عنوان ابزاری جهت کنترل ریسک‌های کسب‌وکار در حوزه‌ها و بخش‌های مختلف اقتصادی بیش از پیش احساس می‌گردد. لذا رشد و پیشرفت صنعت بیمه و ارائه خدمات هر چه بهتر و با کیفیت‌تر بیمه‌ای نیازمند توسعه ساختار اداره شرکت‌های بیمه در زمینه استقرار سیستم‌های مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی در راستای استقرار حاکمیت شرکتی^۲ و پاسخگویی به ذینفعان می‌باشد.

حاکمیت شرکتی به شیوه‌ای اشاره دارد که در آن هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد بر کسب‌وکار شرکت‌ها نظارت نموده و شامل ابزاری است که به‌واسطه آن‌ها اعضای هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد می‌توانند پاسخگو و مسئول اعمال خود در مقابل ذینفعان باشند. حاکمیت شرکتی شامل نظم و انضباط بنگاه، شفافیت، استقلال، محاسبه‌پذیری، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری است. انتشار به‌موقع و دقیق اطلاعات مالی، صورت وضعیت ریسک‌های پیش روی شرکت^۳، عملیات کسب‌وکار، مالکیت و ترکیب سهام‌داران، بخش‌هایی از چارچوب حاکمیت شرکتی می‌باشند. همچنین حاکمیت شرکتی شامل انطباق با الزامات قانونی و مقرراتی ناظران بانکی و بیمه‌ای نیز می‌باشد. دو ابزار مهم استقرار سیستم حاکمیت بنگاه، ارزیابی کنترل‌های داخلی^۴ در قالب حسابرسی داخلی^۵ و مدیریت ریسک بنگاه (ERM)^۶ می‌باشند (شهریار، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵).

یک ساختار حاکمیتی مناسب پیش‌نیاز یک سیستم کارای مدیریت ریسک و توانگری مالی است. ERM بایستی از سیستم توانگری مالی و مدیریت سرمایه‌گر حمایت نموده و موجب اطمینان از کارایی و اثربخشی این سیستم گردد (IAIS, 2008a,b). ناظر بیمه نیز مکلف است در راستای استقرار سه رکن^۷ اساسی نظام توانگری مالی (نیازمندی‌های کمی، مدیریت

1. Own Risk & Solvency Assessments
2. Corporate Governance
3. Risk Profile
4. Internal Controls
5. Internal Auditing
6. Enterprise Risk Management
7. Pillars

ریسک داخلی و فرآیند نظارت و شفافیت و افشای اطلاعات)، مقررات مورد نیاز استقرار ERM را جهت مقاصد نظارت بر توانگری مالی ایجاد نماید. این مقررات بیمه‌گر را ملزم می‌نماید تا ریسک‌های مهم خود را شناسایی، ارزیابی، کنترل و یا کاهش دهد و از این طریق اقدام به کنترل و تثبیت توانگری مالی خود و نهایتاً حفظ و تثبیت حقوق بیمه‌گذاران، سهام‌داران و سایر ذی‌نفعان نماید (IAIS, 2008a,b). با این وجود، بیمه مرکزی ایران در خصوص استحکام حاکمیت شرکتی، با انتشار آیین‌نامه‌های توانگری مالی، افشای اطلاعات، اکچوئری و حاکمیت شرکتی اقدامات موثری انجام داده است، لیکن در خصوص مدیریت ریسک بنگاه، کنترل‌های داخلی و حسابرسی داخلی نیازمند انجام اقدامات جدیدی است. لذا یکی از مشکلات اساسی صنعت بیمه (منتج از مساله فوق)، بیمه مرکزی ایران به‌عنوان نهاد ناظر و شرکت‌های بیمه، فقدان یک سیستم مدون، دارای چارچوب استاندارد و یکپارچه مدیریت ریسک بنگاه در جهت ارتقا و تثبیت توانگری مالی و نتیجتاً افزایش پاسخگویی به ذی‌نفعان، می‌باشد. توانگری مالی شرکت‌های بیمه مهمترین شاخصی است که توانایی شرکت بیمه در پاسخگویی شرکت بیمه به ذی‌نفعان را نشان می‌دهد. لیکن ارزیابی توانگری مالی شرکت‌ها تنها بخشی از سیستم مدیریت ریسک بنگاه می‌باشد. این امر در زمینه اداره و کنترل ریسک‌ها و استقرار سیستم کنترل‌های داخلی در راستای تثبیت بلندمدت توانگری مالی این شرکت‌ها دارای ضعف بوده و با نظارت بر توانگری مالی شرکت‌های بیمه نمی‌توان لزوماً نواقص درون شرکت‌ها در کنترل ریسک‌ها را از بین برد. این موضوع بیانگر این است که یک شرکت بیمه با داشتن توانگری مالی بالا لزوماً واجدالشرایط برای پاسخگویی به ذی‌نفعان در مقابل ریسک‌های خود نیست (Sandström, 2007).

با این تفاسیر، هدف اصلی از این مقاله ارائه یک الگوی مدیریت ریسک بنگاه (ERM) برای مؤسسات بیمه در راستای استقرار حاکمیت شرکتی (موضوع آیین‌نامه شماره ۹۳ شورای عالی بیمه) با ملاحظات نظارتی است. لذا در این مقاله، ابتدا اقدام به بیان مبانی نظری استانداردها و چارچوب‌های بین‌المللی مدیریت ریسک بنگاه نموده و سپس اقدام به ارائه یک الگوی نظری جهت استقرار مدیریت ریسک بنگاه در مؤسسات بیمه از دیدگاه نظارتی خواهیم پرداخت. در پایان ضمن تشریح پیامدهای فقدان الگوی مدون مدیریت ریسک شرکت‌های بیمه ایرانی، به ارائه یک ساختار پیشنهادی (به همراه نقش و جایگاه این ساختار در اداره شرکت‌های بیمه با ملاحظات نظارتی)، فرآیند پیاده‌سازی مدیریت ریسک توسط مؤسسات بیمه، نقش، جایگاه و فرآیند نظارتی بیمه مرکزی ایران (شامل فرآیند گزارش‌دهی) پرداخته خواهد شد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. چارچوب نظری مدیریت ریسک بنگاه در شرکت‌های بیمه

۲-۱-۱. مفهوم مدیریت ریسک بنگاه

مطابق با استاندارد ISO 31000، مدیریت ریسک بنگاه شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که به‌طور هماهنگ برای هدایت و کنترل سازمان در ارتباط با ریسک به‌کار گرفته می‌شوند. مدیریت ریسک بنگاه ترتیبی است که به‌وسیله آن یک مؤسسه در هر صنعتی که فعالیت می‌نماید، ریسک‌های ناشی از فعالیت کسب‌وکار که جهت افزایش و خلق ارزش افزوده می‌شوند را ارزیابی، کنترل، استخراج، تأمین مالی و نظارت می‌نماید (IAIS, 2008a).

مدیریت ریسک بنگاه (ERM) با یک دیدگاه همه‌جانبه و کل‌گرایانه و با توجه به وابستگی رشته‌های کسب‌وکار، واحدهای سازمانی و تعادل بین آن‌ها، اقدام به اداره ریسک در سطح بیمه‌گذار، فعالیت، رشته بیمه، در سطوح واحدهای سازمان و کل سازمان می‌نماید. مدیریت ریسک بنگاه دارای سه رکن اصلی است (شهریار، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵):

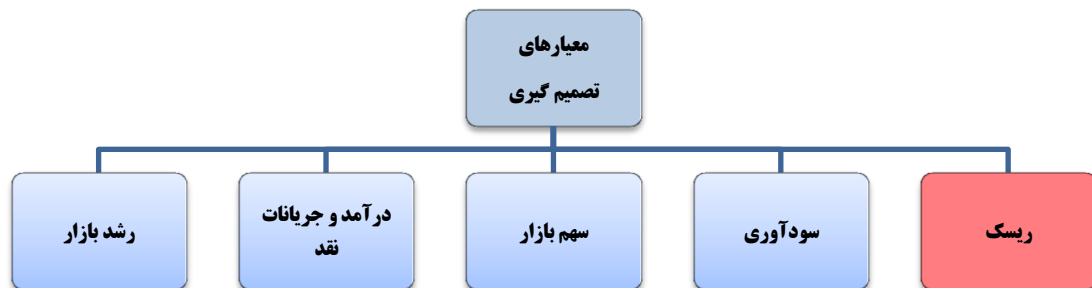
الف) فرهنگ ریسک^۱.

ب) مدیریت ریسک استراتژیک.

ج) دیدگاه کل گرایانه.

در خصوص فرهنگ ریسک، مدیریت ریسک بر پایه ترکیبی از ایده‌ها، اصول و ساختارهای حاکمیتی و همچنین مهارت‌ها و تجارب افراد درون شرکت قرار دارد. اجرای مدیریت ریسک بنگاه باید به گونه‌ای باشد که مدیریت ریسک به‌عنوان بخشی از رفتار سازمانی در فرهنگ سازمان نهادینه شده و باقی بماند.

مدیریت ریسک استراتژیک غالباً در ارتباط با معیارهای تصمیم‌گیری ریسک-بازده (اشتهای ریسک^۲) و بهینه‌سازی ریسک و بازده است. استراتژی‌های مربوط به سودآوری، نوآوری، کسب‌وکار باید با مقوله ریسک و ریسک‌پذیری/ریسک‌گریزی مدیران و تصمیم‌گیران آمیخته شود. به عبارتی تصمیم‌گیری درباره هر فعالیت فعلی و جدید شرکت باید مبتنی بر ریسک آن فعالیت باشد. مدیریت ریسک با اضافه نمودن معیار تصمیم‌گیری دیگری به نام ریسک، این تصمیم‌گیری و واکنش به تغییرات محیطی داخلی و خارجی را تکمیل می‌کند (شکل ۱).



شکل (۱) - معیارهای تصمیم‌گیری در مدیریت ریسک استراتژیک

در خصوص دیدگاه کل گرایانه باید گفت که مدیریت ارشد سازمان باید به‌طور جامع و همه‌جانبه محیط بیرونی و درونی را در نظر گرفته و کلیه فعالیت‌های شرکت را با توجه به وابستگی‌های آن‌ها در نظر گرفته و ریسک‌های آن‌ها اداره کند.

۲-۱-۲. انواع ریسک در شرکت‌های بیمه

انواع مختلف ریسک براساس استانداردهای بین‌المللی نظیر ISO31000 و COSO II را می‌توان به ۳ دسته ریسک مخاطره^۳، ریسک عملیاتی^۴ و ریسک مالی^۵ طبقه‌بندی نمود.

لیکن از دیدگاه نظارتی و بیمه‌ای، به منظور تعیین سرمایه مورد نیاز مقرراتی، مطابق با مدل‌های مبتنی بر ریسک توانگری مالی در آمریکا، استرالیا، اتحادیه اروپا، ژاپن و طبق استاندارد سال ۲۰۰۲ انجمن IAA^۶، می‌توان پنج نوع ریسک اصلی را برای هر شرکت بیمه شناسایی نمود (شهریار، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵):

1. Risk Culture
2. Risk Appetite
3. Hazard Risk:

ریسک مخاطره مربوط به آسیب به دارایی‌های فیزیکی سازمان با منشا بشرساخت و طبیعی اشاره دارد. لازم به ذکر است که این ریسک در توانگری II اروپا و بال II در زمره ریسک‌های عملیاتی طبقه‌بندی می‌شود.

4. Operational Risk
5. Financial Risk
6. International Actuary Association

۱. ریسک صدور یا ریسک بیمه‌گری^۱؛
۲. ریسک بازاری^۲؛
۳. ریسک اعتباری^۳؛
۴. ریسک نقدینگی^۴؛
۵. ریسک عملیاتی^۵.

۲-۲. بررسی استانداردهای بین‌المللی مدیریت ریسک بنگاه برای شرکت‌های بیمه

ارزیابی کفایت سرمایه و توانگری مالی بانک‌ها و شرکت‌های بیمه تنها یک بخش از سیستم مدیریت ریسک بنگاه این مؤسسات می‌باشد. طی دهه ۱۹۹۰، سیستم RBC بانک‌ها و بیمه‌ها در کشورهای مختلف راه‌اندازی شد و تا حد مدل‌های پویا و پیشرفته نظیر تحلیل مالی پویا (DFA)^۶ پیش رفت. اغلب تا اواخر دهه ۱۹۹۰، نظارت بر مبنای مدل‌های RBC و توانگری مالی بر پایه رهنمودهای کمیته بال و سازمان IAIS انجام می‌گرفت. این استانداردهای مقرراتی بر مبنای ارزیابی کمی و کیفی کلیه ریسک‌های مهم شرکت‌های بیمه و بانک‌ها عمل می‌نمودند. لیکن این استانداردها در زمینه اداره و کنترل ریسک‌ها و استقرار سیستم کنترل‌های داخلی و آزمونهای بحران^۷ در راستای تثبیت بلندمدت توانگری مالی این شرکت‌ها دارای ضعف بوده و بالاخص پس از بحران سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۹ کارا عمل ننمودند. رسوایی‌های مالی شرکت‌های بزرگی چون انرون، وردکام و اندرسون و ورشکستگی شرکت‌های بیمه بزرگ نظیر AIG (با نسبت کفایت سرمایه بسیار بالا) نشان دادند که یک بانک یا یک بیمه با داشتن توانگری مالی بالا لزوماً واجد شرایط برای پاسخگویی به ذی‌نفعان در مقابل ریسک‌های خود نیست.

این امر موجب گشت تا فرآیند مدیریت ریسک بنگاه در سیستم قانونی حاکمیت شرکتی راه پیدا کند. با این مقدمه، در ادامه به معرفی مهمترین استانداردها در زمینه مدیریت ریسک بنگاه خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است که برخی از این استانداردها تنها استانداردهای اجرایی ERM بوده و برخی استانداردهای نظارتی و حتی مقرراتی سازمان‌های ناظر می‌باشند (Sandström, 2007).

۲-۲-۱. بررسی استانداردهای بین‌المللی مدیریت ریسک بنگاه

استانداردهایی که پایه و بنیان این مقاله را تشکیل می‌دهند، به صورت شکل (۱) ارائه شده‌اند (RIMS, 2011). در خصوص مدیریت ریسک بنگاه، استانداردهای متعددی وجود دارند. مهمترین استانداردهای عمومی ERM عبارتند از:

۱. استاندارد (2009) ISO 31000: مدیریت ریسک، شیوه‌های عملی و راهنمایی‌ها.
۲. استاندارد (2004) COSO II: مدیریت ریسک بنگاه، چارچوب یکپارچه.
۳. استاندارد (2009) OCEG "کتاب قرمز" ۲,۰: مدل قابلیت GRC.
۴. استاندارد (2008) BS 31100: کد شیوه‌های عملی برای مدیریت ریسک.

1. Insurance or Underwriting Risk
 2. Market Risk
 3. Credit Risk
 4. Liquidity Risk
 5. Operational Risk
 6. Dynamic Financial Analysis
 7. Stress Testing

۵. استاندارد (2002) FERMA: یک استاندارد مدیریت ریسک.

استانداردها و رهنمودهای دیگری به ویژه استانداردهای ملی، در سراسر جهان وجود دارند نظیر استاندارد مدیریت ریسک بنگاه استرالیا و نیوزیلند (AS/NZS 4360, 2004). اما به دلیل اهمیت استانداردهای بین‌المللی از بیان آنها در این بخش صرف نظر می‌نماییم. لازم به ذکر است که اغلب این استانداردها برداشت‌ها و اقتباس‌های محلی از استانداردهای بین‌المللی فوق هستند، به طور مثال استاندارد AS/NZS 4360 برداشتی از استاندارد ISO31000 است.

استراتژی‌هایی که استانداردهای مدیریت ریسک دنبال می‌کنند، به‌طور کلی بر روی یکی یا چند جنبه زیر تمرکز دارند:

۱. دستیابی به اهداف یک سازمان؛

۲. دستیابی به اهداف مبتنی بر کنترل، اجرای قواعد و سیستم‌های کنترلی (اجرای کنترل‌ها در سازمان)؛

۳. تطابق با الزامات مقرراتی.

می‌توان تمامی استانداردهای فوق را به سه جنبه بالا ارجاع می‌دهند، هدف از اجرای این استانداردها رسیدن به اهداف سازمان، پایبندی به کنترل‌ها به‌عنوان ابزاری برای مدیریت ریسک و یا اجرای الزامات نظارتی و مقرراتی می‌باشد. برخی از استانداردها بر ترکیبی وزنی از این استانداردها تمرکز دارند. این امر برای CRO که مسئولیت اجرای مدیریت ریسک بنگاه در شرکت را برعهده دارد بسیار مهم است. زیرا بسته به استراتژی و اهداف اجرای مدیریت ریسک شرکت، یک استاندارد یا الگوی راهنمای خاص ممکن است برای اهداف یک سازمان مناسب‌تر باشد. به‌طور مثال استاندارد COSO که بر کنترل‌های داخلی تمرکز دارد، برای اداره ریسک‌های عملیاتی بالاخص در شرکت‌های واسطه‌گری مالی (مانند بانک‌ها) مناسب‌تر است. لذا با توجه به سه جنبه فوق، استانداردهای عمومی ERM در جدول (۱) دسته‌بندی شده‌اند.

جدول (۱) - مقایسه استانداردهای عمومی مدیریت ریسک بنگاه با توجه به اهداف و استراتژیهای سازمانها

توضیحات	نام استاندارد	تمرکز بر استراتژی و اهداف
این استانداردها می‌توانند با اصلاح و بهبود تصمیم‌سازی موجب رفع ابهامات کلیدی دستیابی به اهداف سازمانی می‌شوند.	ISO31000 BS 31100 COSO FERMA Solvency II Basel II, III	دستیابی به اهداف یک سازمان
این استانداردها با تمرکز بر کنترل‌های داخلی، موجب حصول اطمینان از کاهش و اداره ریسک‌های عمدتاً عملیاتی می‌شوند.	OCEG COSO	دستیابی به اهداف کنترلی (اجرای کنترل‌ها در سازمان)
این استانداردها زمانی استفاده می‌شوند که شرکت موردنظر به واسطه یک قانون ملزم به اجرای یک سری الزامات مقرراتی و نظارتی می‌شود.	Solvency II Basel II, III	تطابق با الزامات مقرراتی

ماخذ: RIMS, 2011

۲-۲-۲. بررسی استانداردهای نظارتی مدیریت ریسک بنگاه برای شرکت‌های بیمه

۱- الزامات IAIS

چارچوب معرفی شده توسط IAIS در سال ۲۰۰۸، که در راستای دو اصل اساسی ICP8 و ICP16 آن سازمان است (به ترتیب در زمینه مدیریت ریسک و کنترل داخلی و مدیریت ریسک بنگاه)، نه تنها جایگاه حاکمیت شرکتی را در فرآیند مدیریت ریسک بیمه‌گران مشخص می‌کند، بلکه با یک دیدگاه نظارتی، الزامات نظارتی را جهت استفاده از سیستم ERM به قصد حمایت و پشتیبانی از ارزیابی توانگری مالی نشان می‌دهد. از دیدگاه موسسه بین‌المللی ناظران بیمه (IAIS) چارچوب

مدیریت ریسک بنگاه بایستی دارای ۸ ویژگی کلیدی باشد (IAIS, 2008). این ویژگی‌ها که پایه این مقاله هستند، در بخش بعد شرح داده خواهند شد.

۲- سیستم ERM توانگری II اتحادیه اروپا

سیستم توانگری مالی II اتحادیه اروپا در حقیقت کاربردی از یک سیستم ERM است. یکی از ویژگی‌های اساسی این سیستم رکن دوم آن با موضوع فرایند مدیریت ریسک داخلی (مشمول بر قواعد حاکمیت شرکتی) بر مبنای ORSA جهت کنترل کلیه ریسک‌ها است.

در این راستا، کارگروه حاکمیت داخلی سازمان^۱ CEIOPS در سال ۲۰۱۰ بر مبنای ۸ ویژگی بیان شده توسط IAIS و همچنین رهنمودهای موسسه IAA، اقدام به انتشار بیانیه‌ای با عنوان "توصیه‌ای بر ORSA" به معرفی ارکان حاکمیت شرکتی مبتنی بر مدیریت ریسک بنگاه و سازوکار پیاده‌سازی ERM با محوریت ORSA و همچنین نقش‌ها و مسئولیت‌های اجزای این سیستم نموده است.

۳- سیستم ERM سازمان NAIC^۲ ایالات متحده

سازمان NAIC در سال ۲۰۱۱ بر اساس ICP8 و ICP16 سازمان IAIS (به ترتیب در زمینه مدیریت ریسک و کنترل داخلی و مدیریت ریسک بنگاه) مدیریت ریسک بنگاه تحت قواعد حاکمیت شرکتی را علاوه بر ORSA برای بیمه‌گران ضروری می‌داند. لذا در سال ۲۰۱۲ اقدام به انتشار دستورالعمل مدل ORSA و مدیریت ریسک بنگاه (MODEL #505) برای بیمه‌گران ایالات متحده نموده است. این مدل بیمه‌گران را ملزم می‌نماید تا یک چارچوب مشخص برای شناسایی، ارزیابی، نظارت، مدیریت و گزارشگری ریسک‌های مهم شرکت با ملاحظات مربوط به طرح‌های کسب‌وکار خود اتخاذ نمایند. این مدل که تکمیل‌کننده الگوی راهنمای ORSA^۳ است در کلیه شرکت‌های بزرگ و متوسط از سال ۲۰۱۵ لازم‌الاجرا شده است.

۲-۳. جایگاه مدیریت ریسک بنگاه در نظام راهبری (حاکمیت شرکتی) شرکت‌های بیمه: رویکرد سازمان IAIS

حاکمیت شرکتی سبک مدیریت، صلاحیت اعضای هیئت‌مدیره، ساختار اداری، کنترل‌های داخلی، مدیریت ریسک، رعایت قوانین و مقررات و در کل تمامی جنبه‌های مربوط به روابط با ذی‌نفعان را در بخش‌های مختلف سازمان، ارزیابی می‌نماید. سیستم حاکمیت شرکتی در شرکت‌های بیمه به شیوه‌ای اشاره دارد که در آن هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد بر کسب‌وکار شرکت‌های بیمه نظارت نموده و شامل ابزارهایی است که به واسطه آن‌ها اعضای هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد می‌توانند پاسخگو و مسئول اعمال خود در مقابل ذی‌نفعان باشند.

مسئولیت نتایج مدیریت ریسک‌ها به‌عهده هیئت‌مدیره شرکت است (Doff, 2011). اگرچه طبق قوانین تجاری و بازرگانی کشورها، این مورد همیشه وجود داشته است، لیکن با استقرار رسمی حاکمیتی ریسک درون شرکت بیمه، رسمیت یافته و ساختارمند می‌گردد. در حقیقت، ساختار حاکمیتی ریسک موجب افزایش کارایی و اثربخشی مدیریت ریسک و پاسخگویی هیئت‌مدیره می‌گردد.

1. Committee of European Insurance and Occupational Pension Supervisors

2. National Association of Insurance Commissioners

3. ORSA Guidance Manual

دو ساختار سازمانی متداول از دیدگاه حاکمیت بنگاه وجود دارند. این دو ساختار عبارتند از مدل دو لایه‌ای^۱ و مدل سه لایه‌ای دفاع^۲ (پژوهشکده بیمه، ۱۳۹۵) (Lloyds, 2011). ما در این بخش، یک ساختار سه لایه‌ای دفاع را جهت بررسی ساختار حاکمیتی مدیریت ریسک بنگاه و همچنین روشن کردن وظایف و نقش‌های درون سیستم مدیریت ریسک، معرفی می‌کنیم. مدل سه لایه‌ای دفاع شامل سه لایه است:

۱- **لایه اول؛ مدیریت عمومی:** تصمیم‌گیران شرکت در حقیقت خود مدیران هستند. این افراد خط اول دفاع را شکل می‌دهند. مدیران سازمان مسئول مستقیم کل سازمان تحت نظر خود، نتایج کاری و ریسک‌های خود هستند. مدیران باید اشتباهات ریسک و حدود تحمل ریسک خود را تعیین کرده و شیوه نظارت بر تطبیق عملیات خود با این حدود ریسک را مشخص کنند. همچنین مدیران وظیفه دارند که ریسک‌ها را در چشم‌انداز و دورنمای سازمان وارد کنند. حد ریسک‌پذیری این مدیران نفوذ یا عدم نفوذ سازمان در بازارها و محصولات جدید را نمایش می‌دهد.

۲- **لایه دوم؛ دپارتمان مدیریت ریسک:** مدیریت عمومی نیازمند مشاوره در زمینه‌های مختلف تصمیم‌گیری هستند. دپارتمان مدیریت ریسک یکی از این مشاوران است. برای هر تصمیم، این دپارتمان می‌تواند ریسک‌ها و بازده‌های مربوطه و اثر آنها را بر کل صورت وضعیت ریسک^۳ شرکت ارزیابی کند. برای کارایی بیشتر، این واحد می‌تواند سیاست‌ها و خط‌مشی‌های ریسک را استخراج و تهیه کرده (به صورت پیش نویس) و برای کل بخش‌های سازمان اصول پذیرش ریسک و اجتناب از آن را مشخص نماید. از جمله این خط‌مشی‌ها می‌توان به خط‌مشی‌های سرمایه‌گذاری، خطوط راهنمای صدور، خط‌مشی‌های مدیریت تداوم کسب‌وکار (BCP)، خط‌مشی‌های مدیریت نقدینگی و حدود ریسک‌نماهای (مقادیر در معرض ریسک) ریسک اعتباری اشاره نمود.

یکی از وظایف مهم این دپارتمان توسعه یک متدولوژی سنجش ریسک (نظیر سرمایه اقتصادی) در راستای تهیه گزارش توانگری مالی است.

۳- **لایه سوم؛ دپارتمان حسابرسی داخلی:** حسابرس داخلی بر اینکه سیاست‌های مدیریت ریسک (خط‌مشی‌ها) توسط سازمان اجرا می‌شود یا نه، نظارت می‌کند. به دلیل مستقل بودن حسابرسان داخلی، این واحد باید از فرآیند عملیات شرکت فاصله داشته باشد.

علاوه بر نقش نظارتی^۴، حسابرسان داخلی می‌توانند برای لایه دوم (دپارتمان مدیریت ریسک) در خصوص تهیه و یا اصلاح خطوط مشی و سیاست‌های مدیریت ریسک و بهبود صورت وضعیت ریسک شرکت، توصیه‌ها و مشاوره‌هایی را ارائه دهند. از سوی دیگر حسابرسان داخلی وظیفه دارند تا نتایج سیستم‌ها و مدل‌های ریسک دپارتمان مدیریت ریسک را ارزیابی کنند.

۴-۲. ارکان و ویژگی‌های مدیریت ریسک بنگاه در شرکت‌های بیمه: رویکرد سازمان IAIS

در این بخش به اختصار به مدیریت ریسک از دیدگاه شرکت‌های بیمه و همچنین سیستم نظارتی سازمان IAIS خواهیم پرداخت. در استانداردهای مدیریت ریسک بنگاه نظیر ISO31000 یا COSO II سیستم مدیریت ریسک بنگاه شامل دو بخش اصلی است (RIMS, 2011):

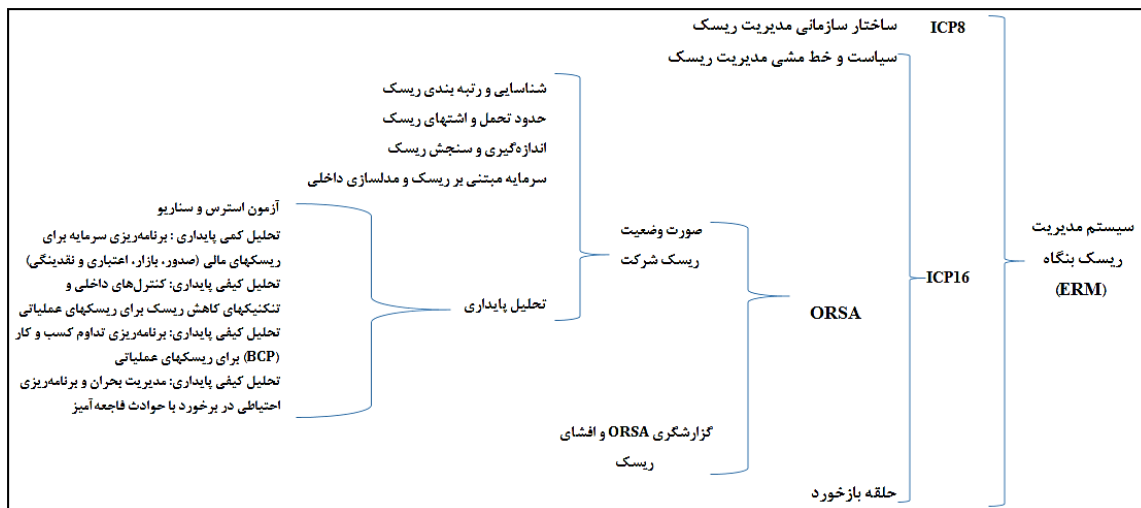
1. Two Lines of Defence
2. Three Lines of Defence
3. Risk Profile
4. Monitoring

- بخش یکم؛ اصول و ساختار: شامل پیش شرطها و عوامل کلیدی موفقیت سیستم، چیدمان و ساختار سازمانی مدیریت ریسک، تفکیک و شرح مسئولیتها و وظایف، فرآیند گزارشگری و ...

- بخش دوم؛ چارچوب و فرآیند مدیریت ریسک: شامل سیاست و خط مشی مدیریت ریسک، اشتها و حدود تحمل ریسک، شناسایی، ارزیابی، سنجش و برخورد با ریسک (برنامه ریزی، کنترل، تامین مالی، انتقال و ...).

در برخی از استانداردها، چارچوب با اصول و ساختار درآمیخته شده و در برخی دیگر با فرآیند مدیریت ریسک ترکیب می گردد. براین اساس، سازمان IAIS نیز در اصول اساسی ۸ و ۱۶ (ICP16 و ICP8) اقدام به تشریح سیستم مدیریت ریسک بنگاه و ابعاد آن می پردازد. در ICP8، این سازمان بیمه گر را به داشتن ساختار اثربخش مدیریت ریسک و کنترل های داخلی، به عنوان بخشی از چارچوب حاکمیت شرکتی، مشتمل بر واحدهای اثربخش مدیریت ریسک، تطبیق، امور اکچوئری و حسابرسی داخلی، ملزم می نماید. در ICP16، این سازمان با یک دیدگاه نظارتی، الزامات نظارتی را جهت استفاده از سیستم ERM به قصد حمایت و پشتیبانی از ارزیابی توانگری مالی را نشان می دهد. از دیدگاه سازمان بین المللی ناظران بیمه (IAIS) چارچوب مدیریت ریسک بنگاه بایستی دارای ۸ ویژگی کلیدی باشد (IAIS, 2008). این ویژگی ها در بخش بعد شرح داده خواهند شد.

با این توصیف، ساختار سیستم مدیریت ریسک بنگاه از دیدگاه موسسه IAIS و براساس دو اصل اساسی فوق (ICP8 و ICP16) را می توان در قالب شکل (۲) نمایش داد.



شکل (۲) - ساختار سیستم مدیریت ریسک بنگاه از دیدگاه موسسه IAIS

۱-۴-۲. اجزای اصلی یک سیستم مدیریت ریسک در ICP8

طبق ICP8، ناظر بیمه موظف است بیمه گر را به داشتن سیستم های اثربخش مدیریت ریسک و کنترل های داخلی، به عنوان بخشی از چارچوب حاکمیت شرکتی، مشتمل بر واحدهای اثربخش مدیریت ریسک، تطبیق، امور اکچوئری و حسابرسی داخلی، ملزم نماید (IAIS, 2015).

چهار جزء اساسی سازمانی وجود دارد که بیمه گران برای استقرار سیستم مدیریت ریسک بنگاه خود موظف به راه اندازی و فعالسازی آنها هستند (Ingram, 2014):

(۱) مالکان ریسک^۱

(۲) کمیته یا کمیته‌های ریسک^۲

(۳) مدیر ارشد ریسک^۳

(۴) دپارتمان مدیریت ریسک^۴

با این توصیف، طبق اصل اساسی شماره ۸ (ICP8) و مواد ۴۴، ۴۶، ۴۷ و ۴۸ رکن دوم دستورالعمل توانگری II، ناظران ملی کشورها بایستی حداقل حوزه‌های وظیفه‌ای زیر را در ساختار حاکمیت ریسک خود لحاظ کنند: حوزه وظیفه‌ای مدیریت ریسک، حوزه وظیفه‌ای کنترل‌های داخلی، حوزه وظیفه‌ای تطبیق، حوزه وظیفه‌ای حساسی داخلی و حوزه وظیفه‌ای اکچوئری (CEIOPS, 2009 و IAIS, 2015).

۲-۴-۲. چارچوب و فرآیند مدیریت ریسک بنگاه برای مقاصد توانگری (ICP16)

استاندارد IAIS، هشت ویژگی کلیدی را برای طراحی چارچوب ERM بیان کرده است. این هشت ویژگی می‌توانند راهنمایی برای اجرای مدیریت ریسک بنگاه باشند.

از دیدگاه سازمان بین‌المللی ناظران بیمه (IAIS) چارچوب الگوی مدیریت ریسک بنگاه با هدف حمایت از توانگری مالی شرکت بیمه، در اصل اساسی بیمه شماره ۱۶ (ICP16)، حداقل بایستی دارای الزامات مقرراتی و ویژگی‌های زیر باشد (IAIS, 2015, 2008 a,b):

۱. ساختار حاکمیتی مدیریت ریسک بنگاه^۵

مدیریت ریسک بنگاه جزء مهمی از ساختار حاکمیت بنگاه است. ساختار این جزء باید به گونه‌ای باشد که متناسب با طبیعت، مقیاس و پیچیدگی ریسک‌ها و کسب‌وکار بیمه‌گر باشد. این ساختار باید توسط هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد سازمان هدایت و نظارت شود. این ساختار به ترتیب در فصل دوم شرح داده خواهد شد.

۲. شناسایی و سنجش ریسک^۶

مدیریت ریسک بنگاه زمانی در مؤسسات مالی قابل پیاده‌سازی بوده و اثربخش است که با تحلیل‌های مبتنی بر کمی‌سازی ریسک‌ها همراه باشد. شرکت‌های بیمه بایستی از ابزارهای مناسبی جهت شناسایی، اندازه‌گیری و کمی‌سازی ریسک استفاده نمایند. این موضوع در خصوص تعیین سرمایه اقتصادی و مورد نیاز مقرراتی بسیار مهم است. ارزیابی ریسک مبتنی بر روش‌های کمی بایستی براساس داده‌های معتبر و مستندات دقیق که موجب تصریح و تبیین صحیح وضعیت شدت (اثرات) و فراوانی انواع ریسک می‌شوند، صورت پذیرد.

1. Risk Owner
2. Risk Committees
3. Chief Risk Officer
4. Risk Department
5. Corporate Governance Structure
6. Risk Identification and Measurement

۳. بیانیه سیاست و خط مشی مدیریت ریسک^۱

یک بیمه‌گر باید سند و بیانیه خط مشی مدیریت ریسک را به گونه‌ای طرح‌ریزی نماید که به وسیله آن بتواند ریسک و بازده خود را به صورت استراتژیک و عملیاتی اداره نماید. این سند بایستی ارتباط بین حدود تحمل ریسک، نیازمندی‌های مقرراتی سرمایه، سرمایه اقتصادی و فرآیندهای نظارت بر ریسک‌ها را مشخص نماید.

۴. بیانیه حدود تحمل ریسک^۲

یک بیمه‌گر بایستی بیانیه حدود ریسک خود را ایجاد و منتشر نماید. بیمه‌گر در این بیانیه باید اقدام به تعیین حدود تحمل کمی و کیفی برای کلیه ریسک‌های شرکت نموده و این حدود را برای هر طبقه ریسک باتوجه به ارتباط بین این طبقات ریسک تعریف کند. سطوح تحمل ریسک بایستی بر مبنای استراتژی بیمه‌گر باشد و به‌طور فعال در چارچوب ERM و سیاست مدیریت ریسک وی به کار رود. حدود تحمل ریسک بایستی در عملیات جاری بیمه‌گر از طریق سیاستها و رویه‌های مدیریت ریسک وی وارد شود.

یک بیمه‌گر در راستای رکن III^۳ سیستم نظارت بر توانگری مالی (افشای اطلاعات و شفافیت)، باید بیانیه حدود تحمل ریسک خود را به‌صورت عمومی منتشر نماید. این بیانیه باید به‌طور واضح سطوح کمی و کیفی تحمل ریسک توسط هیئت‌مدیره را تبیین نموده و حدود قابل پذیرش و تحمل ریسک را برای هر طبقه و نوع از ریسک مشخص و ارتباطات و وابستگی‌های متقابل ریسک‌ها را در نظر بگیرد.

سطوح مشخص شده تحمل ریسک باید به گونه‌ای تنظیم شوند که با تسری بخشیدن آنها در ارکان سازمان و عملیات کسب‌وکار بیمه‌گر، توانگری مالی بیمه‌گر حفظ و یا ارتقا یابد.

۵. حلقه بازخورد^۴

چارچوب طراحی شده برای ERM باید نسبت به تغییرات محیطی پاسخ مناسب را ارائه‌داده و از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار باشد. این چارچوب باید با ایجاد یک حلقه بازخورد، بر مبنای اطلاعات کیفی مناسب، فرآیندهای مدیریتی و ارزیابی عملی، بیمه‌گر را قادر سازد تا به‌طور منظم و سیستماتیک به تغییرات وضعیت ریسک‌های خود پاسخ دهد.

۶. فرآیند خودارزیابی توانگری مالی و ریسک‌های تحت مالکیت (ORSA)^۵

خودارزیابی توانگری مالی و ریسک‌های تحت مالکیت (ORSA) فرآیندی مداوم است که از طریق آن، شرکت بیمه و هیئت‌مدیره به‌طور مستمر ریسک‌های تحت مالکیت و موقعیت مالی (توانگری مالی) خود را پایش و ارزیابی می‌نماید. نتیجه این فرآیند گزارشی است که ارزیابی شرکت از موقعیت خود را به لحاظ صورت وضعیت ریسک و سرمایه، (هم در حال و هم در آینده)، تحت سناریوهای مختلف و با توجه به حدود تحمل ریسک شرکت (که برای جذب پورتهوی به کار می‌رود) نشان می‌دهد (IAA, 2015).

در ORSA، هیئت‌مدیره شرکت به صورت یک بیانیه، حدود تحمل ریسک^۶ خود را اعلام می‌کند. پس از آن مدیریت ارشد ریسک‌ها را شناسایی و با استفاده از سنج‌های ریسک و آزمون‌های استرس ارزیابی نموده و در صورتی که مقادیر این

1. Risk Management Policy Statement
2. Risk Tolerance Statement
3. Pillar III
4. Feedback Loop
5. Own Risk and Solvency Assessment
6. Risk Tolerances

ریسک‌ها از حدود تحمل ریسک مشخص شده در بیانیه مذکور فراتر رفت، برنامه‌های مناسب پاسخ به ریسک‌ها را مشخص می‌نماید (Gunnasson, 2012). بنابراین ORSA ارتباط دهنده مدیریت ریسک، مدیریت سرمایه و استراتژی‌های کسب‌وکار بیمه‌گر است.

پیشتر، در شکل (۳) نیز جایگاه ORSA در سیستم ERM نمایش داده شده است. طبق شکل (۳)، استقرار ORSA گام اصلی در مسیر استقرار مدیریت ریسک بنگاه و هسته مرکزی آن در شرکت‌های بیمه است (Watson, 2013). یک بیمه‌گر باید به‌طور قاعده‌مند ORSA را جهت مطلع ساختن هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد در خصوص ارزیابی کفایت مدیریت ریسک سازمان و موقعیت فعلی و آتی توانگری مالی سازمان اجرا و گزارش نماید. ORSA باید کلیه ریسک‌های با اهمیت سازمان را شامل شود. این ریسک‌ها حداقل باید شامل ریسک صدور، اعتباری، بازاری، نقدینگی و عملیاتی باشد. فرآیند ارزیابی ORSA بایستی ارتباط بین مدیریت ریسک و سطوح مختلف، کیفیت و قابلیت دسترسی منابع مالی را مشخص نماید. با این حال، محوریت سیستم ORSA، محاسبه سرمایه اقتصادی مقرراتی و مدل‌سازی داخلی است:

• سرمایه اقتصادی - مدل‌سازی مقرراتی (سرمایه الزامی)

یک بیمه‌گر موظف است در راستای اجرای فرآیندهای حاکمیت شرکتی، منابع مالی در دسترس (مازاد بیمه‌گر) جهت اداره کسب‌وکار و پوشش ریسک‌های آن را با ملاحظات مربوط به بیانیه تحمل ریسک و از همه مهمتر نیازمندی‌های سرمایه مقرراتی وضع شده توسط ناظر تعیین نماید.

در حقیقت، محوریت فعالیت‌های مدیریت ریسک بیمه‌گر با سرمایه اقتصادی و الزامی مشخص شده توسط ناظر می‌باشد.

• سرمایه اقتصادی - مدل‌سازی داخلی^۱

بیمه‌گر می‌تواند به همراه مدل‌سازی مقرراتی توانگری مالی خود، از مدل‌سازی داخلی ارزیابی کمی ریسک‌های شرکت، سرمایه اقتصادی و توانگری مالی نیز استفاده نماید. این مدل‌سازی به لحاظ شمولیت ریسک‌ها و روش‌های اندازه‌گیری و تحلیل حداقل باید ویژگی‌های مدل‌سازی مقرراتی توانگری مالی را داشته باشد.

۷. تحلیل پایداری^۲

به‌عنوان بخشی از سیستم مدیریت ریسک بنگاه، یک بیمه‌گر می‌بایست توانمندی خود در تثبیت و پایداری کسب‌وکار خود را تحلیل نموده و کارایی سیستم مدیریت ریسک بنگاه و مازاد بیمه‌گر (منابع مالی در دسترس) مورد نیاز را برای حفظ و بقای کسب‌وکار در بلندمدت (فراتر از توانگری مالی کوتاه‌مدت) ارزیابی نماید.

چنین تحلیلی با استفاده از ابزارهای کمی، نظیر آزمون استرس و سناریو^۳ و یا تحلیل مالی پویا (DFA)^۴ و ابزارهای کیفی، نظیر ارزیابی کفایت کنترل‌های داخلی، مهمترین عناصر مورد نیاز برای استمرار فعالیت بیمه‌گر را مشخص نموده و موقعیت مالی آتی بیمه‌گر را مشخص نماید. این تجزیه و تحلیل مشخص می‌نماید که با توجه به وضعیت توانگری مالی فعلی بیمه‌گر، آیا بیمه‌گر قادر به تامین سرمایه مقرراتی مورد نیاز در آینده است و می‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

با این توصیف تحلیل پایداری عبارت است از فرآیند حصول از تناسب، اثربخشی و کامل بودن فرآیندها، استراتژیها، فرآیند حصول از مقادیر، نوع و تخصیص منابع مالی و اثربخشی سیستم مدیریت ریسک بنگاه.

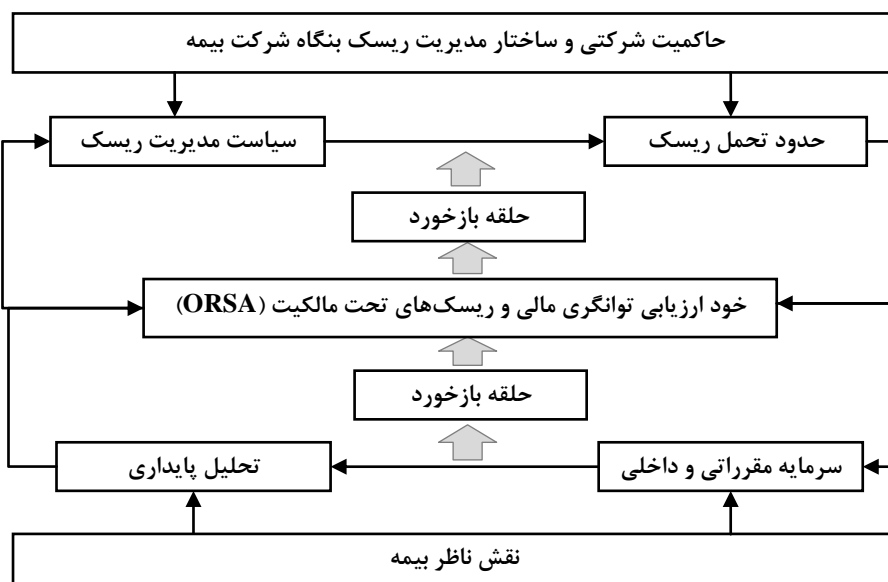
1. Internal Model
2. Continuity Analysis
3. Stress and Scenario Testing
4. Dynamic Financial Analysis

۸. نقش ناظر بیمه در مدیریت ریسک بنگاه

ناظر بیمه باید متعهد باشد که بر فرآیندهای مدیریت ریسک بیمه‌گر و موقعیت مالی وی نظارت نماید. ناظر بیمه باید از قدرت خود در جهت ملزم نمودن شرکت‌های بیمه به ارتقای هرچه بیشتر مدیریت ریسک آنها، مشتمل بر ارزیابی توانگری مالی، شیوه مدیریت سرمایه و سایر موارد ضروری استفاده نماید. به عبارت بهتر، ناظر بیمه بایستی از سیستم مدیریت ریسک بنگاه اطمینان حاصل نماید که این سیستم می‌تواند از سرمایه مقرراتی و مورد نیاز شرکت بیمه (تعیین شده توسط ناظر) حمایت کند.

اساس ارتباط ناظر با بیمه‌گر ایجاد یک سیستم هماهنگ گزارشگری به ناظر است. استقرار سازوکار مناسب گزارشگری، موجب کاهش عدم اطمینان سرمایه‌گذاران، بیمه‌گزاران (تأمین‌کنندگان منابع مالی) و سایر ذی‌نفعان در صنعت بیمه شده و از طرف دیگر موجب ایجاد تقارن (اطلاعاتی) بیشتر در بازار و در نتیجه رقابتی‌تر شدن بازار بیمه می‌گردد.

همان‌گونه که از شکل (۳) مشخص است، سیستم مدیریت ریسک بنگاه شرکت‌های بیمه از یک سو تحت قواعد حاکمیت شرکتی و از سوی دیگر تحت نظر ناظر بیمه قرار می‌گیرد (IAIS, 2007). قواعد حاکمیت شرکتی از طریق استقرار سیاست و خط‌مشی مدیریت ریسک و همچنین بیانیه حدود تحمل ریسک در صدد استقرار سیستم ERM با رویکرد بالا به پایین، با هدف استقرار نظام پاسخگویی به ذی‌نفعان برمی‌آید. ناظر بیمه از طریق ایجاد الزامات مربوط به حداقل سرمایه مورد نیاز بیمه‌گر (یا نسبت توانگری مالی مجاز) و نظارت بر تحلیل پایداری (انجام آزمون‌های استرس و سناریو و برنامه‌های عملیاتی اداره ریسک‌ها) و آزمون ثبات مالی بیمه‌گر از سلامت و صحت سیستم مدیریت ریسک بنگاه و هسته مرکزی آن ORSA در شرکت‌های بیمه، اطمینان حاصل می‌نماید. در این راستا، ناظر بیمه بایستی اقدام به استقرار سیستمی مبتنی بر گزارشگری با رویکرد نظارت مبتنی بر ریسک، مدیریت ارتباط با بیمه‌گر و ایجاد ساز و کار لازم برای افشای اطلاعات و شفافیت بیمه‌گر نماید. به عبارت بهتر، ناظر بیمه با ایجاد یک سیستم گزارشگری مبتنی بر ریسک، استانداردها و حداقل‌های لازم را جهت استقرار یک سیستم حاکمیتی مطمئن مدیریت ریسک بنگاه در شرکت‌های بیمه، مشخص می‌نماید. ناظر بیمه بایستی از این موضوع که سیستم مدیریت ریسک بنگاه و در مرکز آن ORSA شرکت بیمه از حداقل سرمایه مورد نیاز بیمه‌گر حمایت می‌کند، اطمینان حاصل نماید (IAIS, 2008).



شکل (۳) - چارچوب نظارتی استقرار مدیریت ریسک بنگاه در شرکت‌های بیمه (IAIS, 2007)

۳. ارائه الگوی مدیریت ریسک بنگاه برای شرکت‌های بیمه ایران از دیدگاه نظارتی

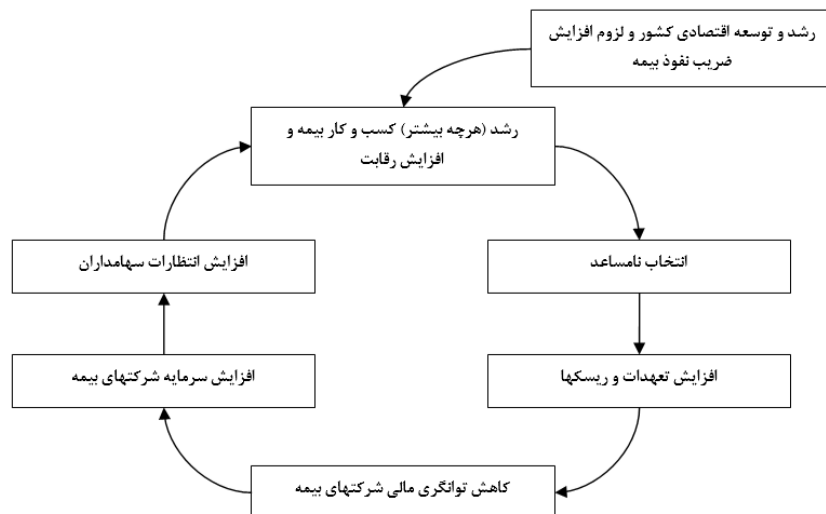
۳-۱. تحلیل جایگاه مدیریت ریسک بنگاه در صنعت بیمه و پیامدهای فقدان آن

بیمه مرکزی ایران، از سال ۱۳۸۱ در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، اقدام به اعطای مجوز به تأسیس شرکت‌های بیمه خصوصی نمود. پس از آن با مقررات‌زدایی در خصوص تعرفه‌های بیمه (آزادسازی) خود را نیازمند استقرار نظام نظارت مالی مبتنی بر نظارت بر توانگری مالی شرکت‌ها نمود. لذا این نهاد به‌عنوان نهاد ناظر بیمه در انتهای سال ۱۳۹۰، با هدف حمایت از منافع سهامداران و بیمه‌گذاران به‌عنوان تامین‌کنندگان مالی اصلی و سایر ذی‌نفعان و همچنین تنظیم بازار، اقدام به تصویب و انتشار آیین‌نامه "نحوه محاسبه و نظارت بر توانگری مالی مؤسسات بیمه"^۱ نمود. این آیین‌نامه بیان می‌نماید که شرکت‌های بیمه مکلفند تا متناسب با مازاد (سرمایه واقعی) خود اقدام به پذیرش ریسک و تعهد نمایند. لذا مطابق با ماده ۷ این آیین‌نامه در صورتی که یک شرکت بیمه دارای نسبت توانگری پایین‌تر از ۱۰۰ درصد باشد، با توجه به مواد ۱۳-۸ این آیین‌نامه، بیمه مرکزی ایران اقدام به نظارت اصلاحی (انواع برنامه‌های ترمیم مالی) و یا مداخله‌ای خواهد نمود.

نکته بسیار حائز اهمیت این است که شرکت‌های بیمه غالباً جهت ارتقای نسبت توانگری مالی خود ساده‌ترین راه یعنی افزایش سرمایه را انتخاب می‌نمایند. به عبارتی با افزایش صورت این نسبت اقدام به افزایش عددی نسبت توانگری مالی شرکت می‌نمایند. لیکن از آنجا که نسبت توانگری مالی بیشتر از آن که یک عدد باشد، یک مفهوم است، لذا این ارتقاء فقط در کوتاه‌مدت مؤثر بوده و در بلندمدت دوباره شاهد افت آن خواهند بود. برای تبیین بیشتر مساله شکل (۴) را در نظر بگیرید. با افزایش پورتهفوی یک شرکت و ثابت بودن سرمایه آن، نسبت توانگری مالی شرکت کاهش می‌یابد. شرکت‌های بیمه با افزایش سرمایه ضمن افزایش نسبت توانگری مالی، با توجه به انتظارات سهام‌داران اقدام به توسعه بیشتر کسب‌وکار (رشد پورتهفوی بیمه و یا سرمایه‌گذاری) می‌نمایند. به دلیل عدم بلوغ رشته‌های بیمه سودآور، شرکت‌های بیمه به سمت افزایش سهم رشته‌های پرریسک (نظیر رشته‌های بیمه ثالث خودرو و درمان) و جذب بیمه‌گذاران پرریسک (با مخاطرات خالص^۲ و اخلاقی بالاتر) کشیده می‌شوند. این امر به نوبه خود موجب بروز پدیده انتخاب نامساعد^۳ می‌گردند. انتخاب نامساعد به همراه عدم رشد متناسب زیرساخت‌های شرکت، موجب می‌گردد تا مقدار ریسک‌های شرکت بیمه با سرعتی بیشتر از درآمد حق بیمه و افزایش سرمایه رشد نمایند. بنابراین با توسعه کسب‌وکار و افزایش پورتهفوی، مخارج کسر نسبت توانگری مالی یعنی ریسک کل شرکت بیمه و به عبارتی "مقدار سرمایه الزامی (RBC)" سریعتر از مقدار "سرمایه موجود (مازاد بیمه‌گر)" رشد می‌کند. خاطر نشان می‌سازد که میشکین (۲۰۱۰) علت اصلی اغلب بحرانهای مالی را انتخاب نامساعد سیستم مالی و بالاخص بانکها می‌داند. این موضوع در خصوص شرکت‌های بیمه نیز صادق است.

۱. آیین‌نامه شماره ۶۹ شورای عالی بیمه

۲. این مخاطرات ناشی از فعالیت کسب‌وکار بیمه‌گذار بوده و مخاطرات اخلاقی در آن وجود ندارد.



شکل (۴) - فرآیند تغییرات توانگری مالی شرکت‌های بیمه

افزایش سرمایه به‌عنوان آخرین راه ارتقای نسبت توانگری مالی با توجه به شرایط اقتصاد تورکوردی^۱ (رکود تورمی) است. از سوی دیگر در شرایط توررکود و به تبع آن افزایش هزینه کسب و تحصیل سرمایه^۲ در بازار سرمایه (افزایش نرخ هزینه تأمین سرمایه) این افزایش سرمایه برای سهام‌داران شرکت‌های بیمه مقرون به صرفه نیست. قطعاً سهام‌داران نیز انتظار دارند که هیئت‌مدیره و مدیران ارشد شرکت‌های بیمه به‌طور بهینه و کارا از سرمایه آنها استفاده نموده و از آن محافظت نمایند. همین امر در خصوص بیمه‌گزاران به‌عنوان دومین منبع تأمین‌کنندگان مالی شرکت‌های بیمه نیز صادق است. لذا بسیار ضروری به‌نظر می‌رسد که حتی‌الامکان شرکت‌های بیمه با استقرار سیستم مدیریت ریسک بنگاه موجب مصرف بهینه منابع مالی شده و با شناسایی، تحلیل، ارزیابی و کنترل کلیه ریسک‌های کسب‌وکار خود، مدیریت سرمایه و منابع مالی را بهینه نمایند و از این طریق موجب افزایش سود و حفظ، تثبیت و ارتقای توانگری مالی خود شوند.

با این تفاسیر، شرکت‌های بیمه بایستی به‌دنبال ارتقای سیستم مدیریت ریسک خود باشند و به‌عبارتی اقدام به راه‌اندازی سیستم مدیریت ریسک بنگاه با هدف اداره و کنترل ریسک‌های شرکت و اصلاح ساختار (و کاهش منجر کسر نسبت توانگری مالی) باشند. در حقیقت، با استقرار سیستم مدیریت ریسک بنگاه (ERM)^۳ شرکت‌های بیمه می‌توانند اولاً اقدام به مدیریت ریسک‌ها به صورت سیستمی و در سطح کل شرکت (و نه به‌صورت منفرد و جزیره‌ای) نموده و ثانیاً با یک دید کل‌گرایانه همه ریسک‌های پیش‌روی شرکت نظیر ریسک‌های بیمه‌گری، عملیاتی، نقدینگی، اعتباری، بازاری و ... نمایند.

در شرکت‌های بیمه فعال در ایران، مبحث مدیریت ریسک بنگاه به صورت سیستماتیک، نظام‌مند و استاندارد در عملیات کسب‌وکار بیمه (عملیات بیمه‌گری و سرمایه‌گذاری)، در جهت استقرار نظام راهبری و حاکمیت شرکتی و نهایتاً الزام پاسخگویی هیئت‌مدیره و تمامی سطوح سازمان در قبال عملیات خود، لحاظ نشده است.

با این اوصاف، ضرورت و اهمیت استقرار سیستم ERM در شرکت‌های بیمه ایرانی از دوجنبه کوتاه‌مدت و بلندمدت قابل بررسی است. از جنبه کوتاه‌مدت، همان‌گونه که در بخش قبل ذکر شد، روند فعالیت شرکت‌های بیمه به جایی رسیده است که جهت حفظ و تداوم فعالیت خود و همچنین لزوم استقرار نظام حاکمیت شرکتی در خصوص پاسخگویی

1. Stagflation
2. Cost of Capital
3. Enterprise Risk Management (ERM)

سیستماتیک به ذی‌نفعان (بالاًخص بیمه‌گذاران و سهام‌داران) نیازمند حفظ و تثبیت توانگری مالی مقرراتی خود و افزایش کارایی سرمایه می‌باشند. از جنبه بلندمدت، در راستای استقرار نظام حاکمیت شرکتی بیمه‌گران، تصمیمات هیئت‌مدیره و مدیران ارشد در خصوص کسب‌وکارهای شرکت، باید مبتنی بر تبادل ریسک و بازده بوده و به‌گونه‌ای باشند تا ارزش شرکت با توجه به ریسک‌های پیش‌رو بیشینه شود. لذا استقرار مدیریت ریسک بنگاه به‌عنوان رکنی از نظام راهبری و حاکمیت شرکتی در جهت اصلاح تصمیم‌گیری‌های هیئت‌مدیره و مدیران ارشد شرکت‌های بیمه از اهمیت زیادی برخوردار است (Chapman, 2006). این امر با توجه به خصوصی‌سازی صنعت بیمه، حذف نظام تعرفه‌ای و ورود سهام‌داران خارج از صنعت به صنعت بیمه (که جهت افزایش شرکت‌های بیمه و افزایش سرمایه آنها ضروری است) و ناآشنا با اهمیت مدیریت ریسک در شرکت‌های بیمه، بسیار اهمیت داشته و با توجه به افزایش سطح رقابت با رویکرد تهاجمی قیمتی (نرخ‌شکنی) بسیار با اهمیت به‌نظر می‌رسد.

۳-۲. ساختار پیشنهادی مدیریت ریسک بنگاه (ERM) در شرکت‌های بیمه

۳-۲-۱. الزامات و پیش‌شرط‌های استقرار سیستم مدیریت ریسک بنگاه در مؤسسات بیمه ایرانی

هر فرآیندی جهت پیاده‌سازی کامل و دقیق در سازمان، نیازمند آن است تا مراحل بلوغ را طی نماید. به‌همین دلیل بسیاری از سازمان‌ها بدون انجام آموزش‌های لازم و بدون توجه به فرهنگ سازمان و سطح بلوغ کارکنان و منابع سازمان، اصرار بر پیاده‌سازی سیستم مدیریت ریسک در منتهی درجه کمال می‌کنند که نتیجه این کار چیزی جز شکست و هدر رفت منابع مالی و انسانی نیست. با این تفاسیر، براساس مدل ارزیابی بلوغ مدیریت ریسک معرفی شده توسط سازمان IAA (2009)، پیش‌شرط‌های استقرار سیستم مدیریت ریسک بنگاه در شرکت‌های بیمه عبارتند از:

- ۱- ایجاد درک و زبان صحیح و مشترک از مفاهیم و واژگان پایه‌ای در خصوص مدیریت ریسک از طریق انتشار بیانیه واژگان و آموزش.
- ۲- ارتقای فرهنگ مدیریت ریسک از طریق اجرای برنامه آموزشی مستمر در زمینه مدیریت ریسک بنگاه و ایجاد مدل مناسب رفتاری در خصوص مدیریت ریسک.
- ۳- انتشار عمومی بیانیه سیاست و خط مشی مدیریت ریسک و التزام هیئت‌مدیره به آن.
- ۴- رهبری و تعهد مدیریت: مدیریت ارشد سازمان به‌وضوح از مدیریت ریسک حمایت نموده، مستقیماً به آن ورود نموده و آن را هدایت نماید.
- ۵- درج وظایف مربوط به مدیریت ریسک در شرح وظایف کلیه کارکنان و بالاخص مالکان ریسک.
- ۶- مرتبط نمودن شاخص‌های ریسک در ارزیابی عملکرد واحدهای سازمان.
- ۷- ایجاد و توسعه ساختار سازمانی مدیریت ریسک بنگاه شامل کمیته ریسک و واحد (وظیفه) مدیریت ریسک و تبیین شفاف وظایف واحدهای حسابرسی داخلی، تطبیق و کنترل داخلی در شرکت.
- ۸- ایجاد سازوکار گزارشگری برون و درون‌سازمانی در زمینه مدیریت ریسک.
- ۹- مرتبط نمودن مدیریت ریسک و مفاهیم ریسک و بازده در برنامه کسب‌وکار و عملیات روزانه شرکت از طریق ایجاد یک برنامه عملیاتی مدیریت ریسک.

۱۰- منابع مدیریت ریسک شامل منابع و ملزومات ساختاری، سامانه الکترونیکی (نرم‌افزاری و سخت‌افزاری)، منابع انسانی و... بایستی در تمامی سطوح مشخص شوند.

شرط اصلی موفقیت مدیریت ریسک این است که فرآیند مدیریت ریسک باید با یک خط مشی مؤثر و برنامه‌ای که توسط مدیریت ارشد (هیئت مدیره) هدایت می‌شود، در فرهنگ سازمانی شرکت نهادینه شود.

۲-۳. ساختار حاکمیتی مدیریت ریسک بنگاه مؤسسات بیمه

ساختار حاکمیتی مدیریت ریسک بنگاه باید به گونه‌ای باشد که دارای شخصیت مستقل از سازمان و مدیریت ارشد بوده و گزارش خود را به هیئت مدیره ارائه دهد. البته اگر هیئت مدیره تشخیص دهد این ساختار می‌تواند زیر نظر مدیرعامل (CEO) مؤسسه بیمه باشد و گزارش خود را از طریق وی به هیئت مدیره ارائه نماید.

مطابق با بخش (۲،۳) و برای پیاده‌سازی آیین‌نامه حاکمیت شرکتی (آیین‌نامه شماره ۹۳ شورای عالی بیمه)، برای طراحی ساختار حاکمیتی مدیریت ریسک بنگاه و همچنین روشن کردن وظایف و نقش‌های درون سیستم مدیریت ریسک، یک ساختار سه لایه‌ای دفاعی، به صورت زیر معرفی شده است:

۱- لایه اول؛ مدیریت عمومی.

۲- لایه دوم؛ دپارتمان مدیریت ریسک.

۳- لایه سوم؛ دپارتمان حسابرسی داخلی.

چارچوب سه لایه‌ای دفاعی به وضوح سطوح مسئولیت‌های کلیدی در مدیریت ریسک را بیان می‌کند. مدیران عمومی (متداول) مسئولیت نهایی اجرای سیستم‌های مدیریت ریسک را برعهده دارند. حل مسائل بنگاه وظیفه مدیران عمومی شرکت است. دپارتمان مدیریت ریسک تنها نقش پشتیبانی را دارد، اگرچه مدیران ریسک وظیفه دارند تا با بررسی روزانه داشبورد ریسک درباره نواحی بالقوه ریسک‌دار شرکت به مدیران عمومی هشدار دهند. یکی دیگر از وظیفه‌های مدیر ریسک شناسایی ریسک‌ها است. حسابرس داخلی بر این که سیاست‌ها و سیستم مدیریت ریسک بنگاه توسط سازمان اجرا می‌شود یا نه و همچنین اثربخشی این سیستم، نظارت می‌کند. با این توصیف، ساختار سازمانی مدیریت ریسک بنگاه در مؤسسات بیمه باید در قالب یک مدل سه لایه‌ای به صورت شکل (۵) باشد.



شکل (۵) - ساختار سازمانی مدیریت ریسک در مؤسسات بیمه ایرانی برای پیاده‌سازی آیین‌نامه حاکمیت شرکتی

مسئولیت کلیه امور و نتایج مربوط به مدیریت ریسک‌ها به عهده هیئت‌مدیره مؤسسه بیمه است. ساختار حاکمیت ریسک باید موجب افزایش کارایی و اثربخشی مدیریت ریسک بنگاه و پاسخگویی هیئت‌مدیره درباره کلیه امور مؤسسه بیمه در مقابل ذی‌نفعان گردد.

اهم مسئولیت‌های کلان واحدهای سازمانی مختلف در زمینه مدیریت ریسک بنگاه در موسسات بیمه به صورت زیر خواهند بود:

- **هیئت‌مدیره:** هیئت‌مدیره مسئول تعیین خط‌مشی مدیریت ریسک، تعیین استراتژی‌های کسب‌وکار، تعیین حدود تحمل ریسک و گزارشگری ریسک‌ها به بیمه مرکزی ج.ا.ا و سایر ذی‌نفعان است.

- **کمیته ریسک:** این کمیته مناسب بودن چارچوب مدیریت ریسک گروه را ارزیابی و کنترل نموده و نتایج را به مدیریت ارشد و هیئت‌مدیره گزارش می‌کند. نظارت بر فرآیند مدیریت ریسک، حصول اطمینان از مناسب بودن چارچوب و برنامه مدیریت ریسک و تهیه گزارش ORSA از مسئولیت‌های کلان این کمیته است. این کمیته می‌تواند دارای چندین زیرکمیته فرعی نظیر کمیته ریسک بیمه‌گری، کمیته ریسک بازار، کمیته ریسک عملیاتی و ... باشد.

- **واحد مدیریت ریسک:** این واحد باید تحت نظر مدیر ریسک (CRO) باشد. مسئولیت‌های کلان این واحد عبارتند از برنامه‌ریزی فرآیند مدیریت ریسک شامل تحلیل کسب‌وکار (زمینه‌سازی)، شناسایی ریسک‌ها، تجزیه و تحلیل ریسک، تهیه صورت‌وضعیت ریسک و تهیه و تنظیم برنامه‌ریزی احتیاطی.

- **واحد اکچوئری:** مسئولیت‌های کلان این واحد عبارتند از محاسبه و تأیید ذخایر فنی مؤسسه بیمه، اعلام نظر در خصوص کفایت برنامه‌ها و چارچوب بیمه‌های اتکایی، انجام محاسبات مربوط به آزمون‌های استرس و سناریو (به‌عنوان بخشی از ORSA)، سرمایه الزامی و نسبت توانگری مالی مقرراتی و مدل داخلی.

- **مالکان ریسک‌ها (واحدهای کسب‌وکار):** مالکیت کنترل‌های داخلی و مسئولیت اجرای برنامه‌های عملیاتی اداره ریسک‌های کسب‌وکار را برعهده داشته و در تعامل و همکاری با واحد مدیریت ریسک را دارند.

- **حسابرسی داخلی:** ارائه نتایج ارزیابی کنترل‌های داخلی و ارائه گزارش از اثربخشی فرآیند مدیریت ریسک به کمیته حسابرسی و هیئت‌مدیره.

- **بیمه مرکزی ج.ا.ا:** این نهاد مکلف است بر فرآیندهای مدیریت ریسک بنگاه مؤسسه بیمه با هدف حفظ و ثبات توانگری مالی مؤسسه بیمه، از طریق اخذ گزارش ORSA و حصول اطمینان از صحت چارچوب مدیریت ریسک مؤسسه بیمه، نظارت نماید.

۳-۲-۳. تعاملات واحدهای مدیریت ریسک بنگاه موسسات بیمه در یک نگاه

از آنجاکه شرکت‌های بیمه دارای محصولات ناهمگن و با ویژگی‌های متفاوت هستند، لذا دارای یک ساختار ترکیبی وظیفه‌ای و فرآیندی پیچیده‌ای نیز می‌باشند. این ساختار به شدت به نیروی انسانی و مهارت آن وابسته است. علاوه بر این، شرکت‌های بیمه به دلیل ماهیت عملیات آنها که همانا پذیرش و تعهد در مقابل ریسک جامعه است، دارای ساختارهای سنتی مدیریت ریسک از نوع جزیره‌ای و سازمان نیافته می‌باشند. لذا مهمترین موضوع در پیاده‌سازی الگو و ساختار فوق نحوه تعامل و روابط بین واحدهای مختلف سازمان و رابطه سازمان با بیمه مرکزی است.

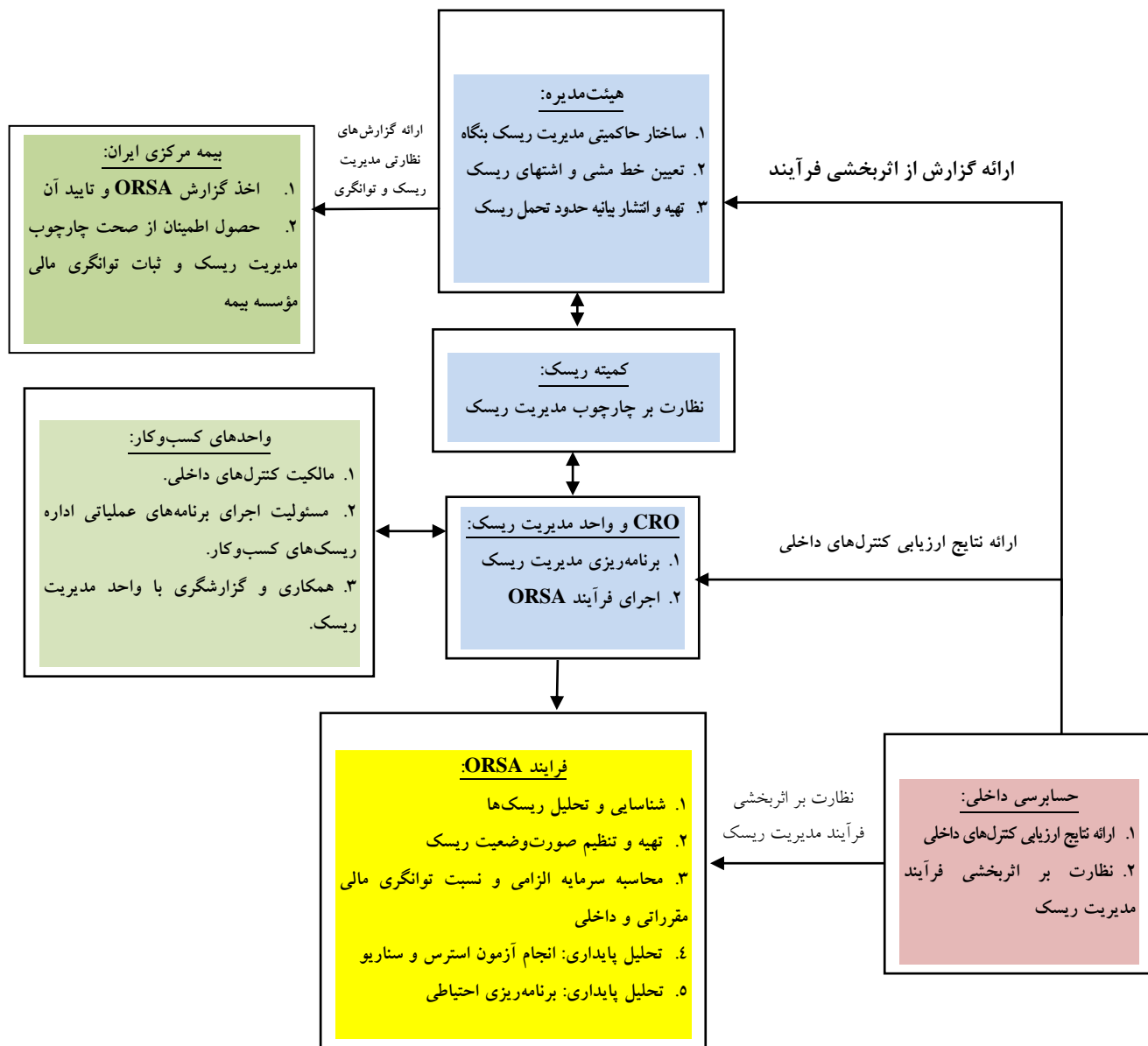
سیستم گزارشگری ریسک و همچنین اجرای وظایف واحد مدیریت ریسک به شدت به نوع تعامل و همکاری واحدهای مختلف شرکت‌های بیمه وابسته است. از سوی دیگر، بسیاری از وظایف این واحد در صورتی که به درستی و با ظرافت تبیین نشوند، می‌تواند موجب تداخل وظایف با واحدهای فنی و حتی حسابرسی شود. برای جلوگیری از این تداخل وظایف و فرآیند باید گفت اولاً وظایف واحد مدیریت ریسک بایستی به صورت نظارتی باشند و ثانیاً واحد مدیریت ریسک بایستی اقدام به پایه‌گذاری یک سیستم گزارشگری ریسک مبتنی بر تعامل سازنده و خودگزارشگری (واحدها) نماید. به عبارت بهتر، واحدهای مدیریت ریسک شرکت‌های بیمه بایستی از مداخله مستقیم در اداره ریسک‌های بیمه‌گذاران بپرهیزند و تنها به ارائه فرآیندها، دستورالعمل‌ها، رویه‌ها، شاخص‌های کلیدی ریسک (KRIs)¹ و نحوه گزارشگری در زمینه اداره ریسک‌های واحدهای شرکت بیمه پردازند.

شکل (۶) نمای کلی سیستم مدیریت ریسک بنگاه مؤسسات بیمه ایرانی را نمایش می‌دهد. هدف این سیستم افزایش آگاهی مؤسسات بیمه از ریسک‌هایشان و اثرات بالقوه آنها بر توانگری مالی و اهداف کسب‌وکار آنها، از طریق استاندارد نمودن سیستم مدیریت ریسک این مؤسسات و وارد نمودن مقوله ریسک در تصمیم‌گیری‌های راهبردی آنان است. این سیستم بر اقدامات مدیریتی که برای پیاده‌سازی سیاست‌های مدیریت ریسک و حصول اطمینان از تداوم کسب‌وکار در راستای اهداف، استراتژی‌ها و منابع سرمایه‌ای آنها لازم هستند، تمرکز دارد.

مطابق با شکل (۶)، هیئت مدیره مسئول تعیین خط‌مشی مدیریت ریسک، نظارت بر هدایت منابع در جهت زمینه‌های کم ریسک، تعیین استراتژیهای کسب‌وکار، تعیین حدود تحمل ریسک و گزارشگری به بیمه مرکزی ایران و سایر ذی‌نفعان است. واحد مدیریت ریسک تحت نظر کمیته مستقل مدیریت ریسک و مدیر ریسک اقدام به تهیه دستورالعمل‌ها، استانداردها، فرآیندها، رویه‌ها و نهایتاً نظام گزارشگری واحدهای مختلف شرکت بیمه (با همکاری و تعامل خود آن واحدها) می‌نماید. کمیته مدیریت ریسک نیز ضمن بررسی و پایش این گزارش‌ها آنها را در اختیار هیئت‌مدیره قرار می‌دهد. واحدهای کسب‌وکار (فنی، IT، منابع انسانی و ...) نیز در قالب یک ساختار منعطف و مبتنی بر خوداظهاری، در تعامل و همکاری با واحد مدیریت ریسک بوده و در این قالب، اقدام به ارائه گزارش‌های نظام‌مند و استاندارد (که از طریق همکاری واحد مدیریت ریسک و واحد کسب‌وکار تهیه شده‌اند) به واحد مدیریت ریسک می‌نمایند.

از سوی دیگر، واحد حسابرسی داخلی اولاً ارزیابی کنترل‌های داخلی را به‌عنوان خوراک (بالاخص در خصوص ریسک‌های عملیاتی) در اختیار واحد مدیریت ریسک قرار می‌دهد، ثانیاً اقدام به نظارت بر اثربخشی اجرای فرآیند مدیریت ریسک در کلیه اجزای شرکت نموده و ثالثاً گزارش نتایج ارزیابی اثربخشی فرآیند مدیریت ریسک بنگاه را به هیئت‌مدیره ارائه می‌دهد.

بیمه مرکزی ایران مکلف است بر فرآیندهای مدیریت ریسک مؤسسه بیمه و موقعیت مالی جاری و آتی وی نظارت نماید. این نهاد باید از قدرت خود برای این که مؤسسه بیمه‌ان را ملزم نماید تا فرآیند مدیریت ریسک خود را جهت حفظ و ارتقای سطح توانگری مالی و حمایت از فرآیندهای مدیریت سرمایه و توانگری مالی، تقویت نمایند (IAIS, 2007)، استفاده کند. ارتباط بین بیمه مرکزی ایران و مؤسسات بیمه از طریق هیئت‌مدیره این مؤسسات و از طریق سیستم گزارش ORSA است. این گزارش باید با گزارش نتایج ارزیابی کنترل‌های داخلی واحد حسابرسی داخلی مؤسسه بیمه همراه باشد.



شکل (۶) - چارچوب مدیریت ریسک بنگاه در مؤسسات بیمه ایرانی از دیدگاه نظارتی

۳-۳. فرآیند و مراحل پیاده‌سازی مدیریت ریسک بنگاه در شرکت‌های بیمه ایرانی و نقش بیمه مرکزی ایران

۳-۳-۱. فرآیند و مراحل پیاده‌سازی مدیریت ریسک بنگاه در شرکت‌های بیمه ایرانی

همان‌گونه که در شکل (۷) نمایش داده شده است، فرآیند و مراحل پیاده‌سازی مدیریت ریسک بنگاه در شرکت‌های بیمه

ایرانی می‌تواند به صورت زیر باشد:

۱- توجه به پیش شرط‌های استقرار سیستم مدیریت ریسک بنگاه.

۲- ایجاد ساختار سازمانی حاکمیتی مدیریت ریسک: شامل کمیته ریسک و واحد (وظیفه) مدیریت ریسک و تبیین

شفاف وظایف واحدهای حسابرسی داخلی، تطبیق و کنترل داخلی در شرکت.

۳- انتشار بیانیه مفاهیم و واژگان پایه‌ای در خصوص مدیریت ریسک: ایجاد درک و زبان صحیح و مشترک از طریق آموزش آن به کلیه کارکنان.

۴- انتشار عمومی بیانیه سیاست و خط مشی مدیریت ریسک و اعلام التزام هیئت‌مدیره به آن.

۵- پیاده‌سازی فرآیند ORSA:

۱- انتشار بیانیه حدود تحمل ریسک.

۲- شناسایی ریسک‌های بااهمیت.

۳- تهیه و تنظیم صورت‌وضعیت ریسک شامل مقادیر ریسک بیمه‌گری، اعتباری، بازار، نقدینگی و شاخص‌های کلیدی ریسک (KRIs) ریسک‌های عملیاتی.

۴- انجام تحلیل پایداری: انجام آزمون‌های بحران و سناریو و تهیه برنامه‌های تداوم کسب‌وکار و احتیاطی.

۶- ایجاد سیستم گزارشگری درون و برون‌سازمانی:

۱- تهیه و تنظیم رویه‌ها، فرم‌ها، جداول و ... (برای ORSA)

۲- گزارش‌دهی صورت وضعیت ریسک (شامل مقادیر ریسک بیمه‌گری، اعتباری، بازار، نقدینگی و شاخص‌های کلیدی ریسک (KRIs) ریسک‌های عملیاتی، نسبت توانگری مالی داخلی و مقرراتی) و تهیه و ارسال گزارش ORSA به‌طور دوره‌ای به بیمه مرکزی ج.ا.ا.

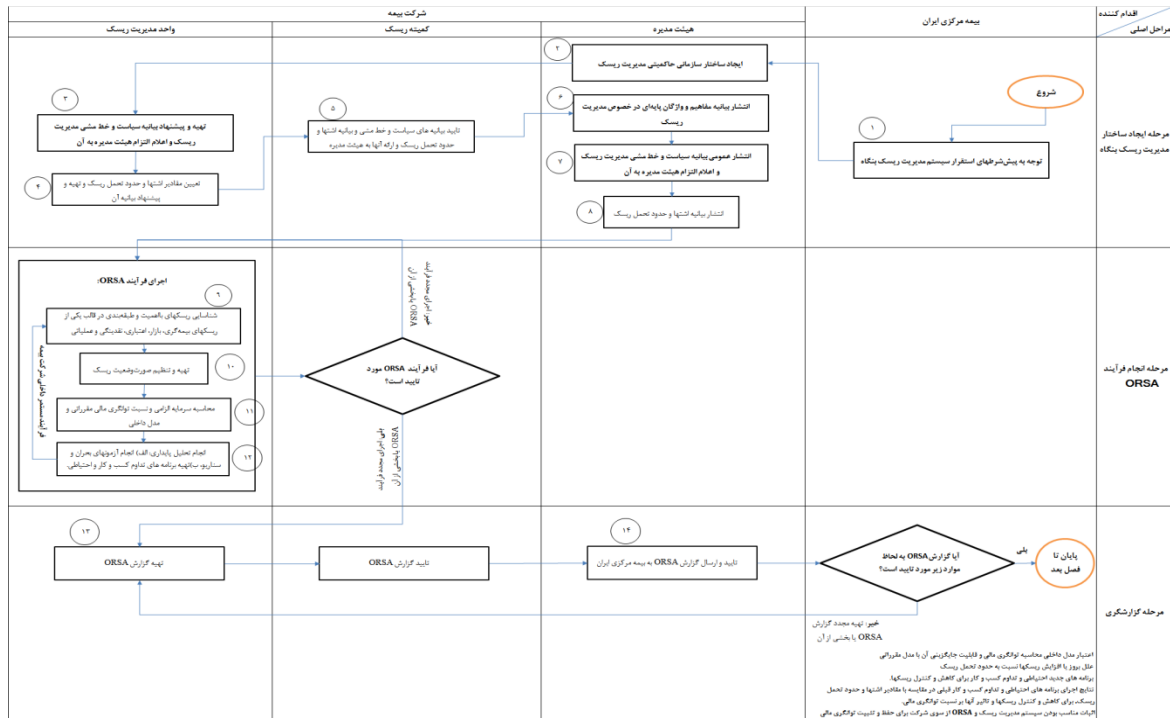
۳- ایجاد سامانه الکترونیکی برخط برای گزارشگری برون‌سازمانی در خصوص صورت وضعیت ریسک.

۳-۳-۲. نقش بیمه مرکزی ایران در فرآیند و مراحل پیاده‌سازی مدیریت ریسک بنگاه در شرکت‌های بیمه ایرانی

مطابق با ICP16 سازمان IAIS و بخش (۲،۴،۲)، بیمه مرکزی باید متعهد باشد که بر فرآیندهای مدیریت ریسک مؤسسه بیمه و موقعیت توانگری مالی وی نظارت نماید. بیمه مرکزی باید از قدرت خود در جهت ملزم نمودن مؤسسات بیمه به ارتقای هرچه بیشتر مدیریت ریسک آنها، مشتمل بر ارزیابی توانگری مالی، شیوه مدیریت سرمایه و سایر موارد ضروری استفاده نماید. به عبارت بهتر، بیمه مرکزی بایستی از سیستم مدیریت ریسک بنگاه اطمینان حاصل نماید که این سیستم می‌تواند از سرمایه مقرراتی و مورد نیاز مؤسسه بیمه (تعیین شده توسط بیمه مرکزی) حمایت کند.

هدف اصلی بیمه مرکزی از نظارت بر سیستم مدیریت ریسک و توانگری مالی مؤسسات بیمه اطمینان از حفظ، ثبات و ارتقاء نسبت توانگری مالی مؤسسه بیمه در زمان جاری و آینده است. باتوجه به این هدف، بیمه مرکزی موظف است بر استقرار سیستم مدیریت ریسک شامل ساختار، بیانیه سیاست و خط‌مشی مدیریت ریسک، بیانیه حدود تحمل ریسک و فرآیند ORSA، نظارت نماید. گزارش ORSA مهمترین ابزار نظارت و بازبینی فرآیند مدیریت ریسک و موقعیت فعلی و آتی مؤسسات بیمه توسط بیمه مرکزی ایران است. بیمه مرکزی موظف است کفایت و سلامت فرآیند مدیریت ریسک مؤسسه بیمه را با کسب اطلاعات مناسب در قالب گزارش فصلی ORSA و مقایسه آنها با بیانیه‌های سیاست و خط‌مشی مدیریت ریسک و حدود تحمل ریسک ارزیابی نماید. بیمه مرکزی موظف است که فرآیندهای مدیریت ریسک و شرایط مالی مؤسسه بیمه را در قالب گزارش ORSA، مورد بررسی دوره‌ای قرار دهد و در صورت لزوم مؤسسه بیمه را ملزم نماید که سیستم مدیریت ریسک و مدیریت سرمایه خود را با برنامه‌های احتیاطی و تداوم کسب‌وکار تقویت نماید.

در صورتی که فرایندها و برنامه‌های مدیریت ریسک مؤسسه بیمه از نظر بیمه مرکزی کافی نباشند، بیمه مرکزی باید از قدرت و اختیارات خود متناسب با موضوع، اقدامات لازم را انجام دهد.



شکل (۷) - فرآیند اجرا، پیاده‌سازی و نظارت بر سیستم مدیریت ریسک بنگاه یک مؤسسه بیمه نمونه

۴. نتیجه‌گیری

هدف اصلی از این مقاله ارائه یک الگوی مدیریت ریسک بنگاه مؤسسات بیمه در راستای پیاده‌سازی آیین‌نامه حاکمیت شرکتی این مؤسسات با ملاحظات نظارتی بود. در این راستا، ابتدا اقدام به بیان مبانی نظری استانداردها و چارچوب‌های بین‌المللی مدیریت ریسک بنگاه نموده و سپس اقدام به ارائه یک الگوی نظری جهت استقرار مدیریت ریسک بنگاه در شرکت‌های بیمه پرداختیم. در پایان، ضمن تشریح پیامدهای فقدان الگوی مدون مدیریت ریسک شرکت‌های بیمه ایرانی، به ارائه یک ساختار پیشنهادی، نقش و جایگاه این ساختار در اداره شرکت‌های بیمه با ملاحظات نظارتی و فرآیند اجرایی پیاده‌سازی این سیستم و همچنین نقش بیمه مرکزی ایران در این فرآیند، پرداخته شد.

همان‌گونه که در بخش (۳) بیان شد، استقرار سیستم مدیریت ریسک بنگاه در یک شرکت بیمه مستلزم استقرار ۸ رکن

است. این ارکان عبارتند از:

۱. ساختار حاکمیتی مدیریت ریسک بنگاه
۲. شناسایی و اندازه‌گیری ریسک
۳. سیاست و خط‌مشی مدیریت ریسک
۴. بیانیه حدود تحمل ریسک بیمه‌گر
۵. حلقه بازخورد
۶. ارزیابی توانگری مالی و ریسک‌های تحت مالکیت (ORSA)
۷. تحلیل پایداری
۸. نقش ناظر بیمه در مدیریت ریسک بنگاه

با توصیفات فوق، اندازه‌گیری و مدیریت سرمایه اقتصادی مورد نیاز و توانگری مالی مقرراتی هسته مرکزی سیستم ORSA بوده و سیستم ORSA نیز بخش اصلی و مرکزی سیستم مدیریت ریسک بنگاه (ERM) شرکت بیمه است. سیستم ERM نیز جزیی از سیستم حاکمیت شرکتی شرکت‌های بیمه است.

در این مقاله هدف ارائه یک مدل پیشنهادی برای پیاده‌سازی اولین رکن که مهمترین رکن در استقرار سیستم مدیریت ریسک بنگاه است، بود. در این راستا اقدام به ارائه یک مدل حاکمیتی مدیریت ریسک سه لایه‌ای نمودیم. به لحاظ ساختار سازمانی این مدل دارای سطوح و واحدهای هیئت‌مدیره، کمیته ریسک، واحد مدیریت ریسک، واحدهای کسب‌وکار، حسابرسی داخلی و نهاد ناظر است. هیئت‌مدیره وظیفه تعیین خط‌مشی مدیریت ریسک، نظارت بر هدایت منابع مناسب در جهت زمینه‌های کم ریسک، تعیین استراتژی‌های کسب‌وکار، تعیین حدود تحمل ریسک و گزارشگری به ناظر و ذی‌نفعان را دارد. کمیته ریسک مناسب بودن چارچوب مدیریت ریسک گروه را ارزیابی و کنترل نموده و نتایج را به هیئت‌مدیره گزارش می‌کند. واحد مدیریت ریسک برنامه‌ریزی فرآیند مدیریت ریسک شامل تحلیل کسب‌وکار/زمینه‌سازی، شناسایی ریسک‌ها، تجزیه و تحلیل ریسک، ارزیابی ریسک و برنامه‌ریزی برخورد با ریسک را انجام می‌دهد. واحدهای کسب‌وکار مالکیت کنترل‌های داخلی و ریسک‌های کسب‌وکار در اختیار داشته و در تعامل و همکاری با واحد مدیریت ریسک قرار دارند. واحد حسابرسی داخلی نتایج حاصل از ارزیابی کنترل‌های داخلی را به واحد مدیریت ریسک ارائه داده و ارزیابی خود از اثربخشی فرآیند مدیریت ریسک در سازمان را به هیئت‌مدیره گزارش می‌نماید. نهاد ناظر به‌عنوان یک نهاد برون سازمانی مکلف است بر فرآیندهای مدیریت ریسک بیمه‌گر و موقعیت مالی وی طبق مقررات توانگری مالی نظارت نماید.

در نهایت باتوجه به محیط عملیاتی، فرهنگ سازمانی و تعاملات بین واحدهای شرکت‌های بیمه، با هدف افزایش اثربخشی سیستم مدیریت ریسک بنگاه، به‌دلیل وجود ساختارهای سنتی مدیریت ریسک در این شرکت‌ها، اقدام به ارائه یک مدل تعاملی و فرآیند پیاده‌سازی این سیستم در سازمان شرکت‌های بیمه نموده و نقش و جایگاه بیمه مرکزی ایران را تبیین نمودیم.

منابع

۱. اصولی، سیدحسین، نجابت، احسان، بیاتی، علی، ناصری، حسین و علی، افخمی (۱۳۸۴)، کتاب راهنمای پیکردهی دانش مدیریت پروژه PMBOK، تهران، انتشارات شرکت ملی صنایع پتروشیمی.
۲. بورس اوراق بهادار. (۱۳۸۷)، چارچوب مدیریت ریسک (۱) و (۲)، تیم مدیریت ریسک، تهران.
۳. بیمه مرکزی ایران. (۱۳۹۰)، آیین نامه شماره ۶۹ شورای عالی بیمه، نحوه محاسبه و نظارت بر توانگری مالی مؤسسات بیمه، تهران.
۴. رشیدی، رامین (۱۳۸۹)، از مدیریت ریسک تا مدیریت ریسک بنگاه، ماهنامه تازه های جهان بیمه، شماره های ۱۴۶ و ۱۴۷.
۵. شهریار، بهنام (۱۳۹۳)، مبانی مدیریت ریسک و نظارت بر توانگری مالی در شرکت های بیمه، تهران، پژوهشکده بیمه.
۶. شهریار، بهنام و همکاران (۱۳۹۵)، مدل آیین نامه نحوه محاسبه و نظارت بر توانگری مالی مؤسسات بیمه (آیین نامه ۶۹ شورای عالی بیمه)، تهران، پژوهشکده بیمه.
۷. صفری، امیر و بهنام، شهریار (۱۳۹۱)، مطالعه و طراحی سیستم نظارت مالی بر مؤسسات بیمه ایرانی با استفاده از تجربه سایر کشورها، طرح تحقیقاتی، تهران، پژوهشکده بیمه.
۸. عسگری، علی (۱۳۸۸)، راهنمای استاندارد بین المللی ایزو ۳۱۰۰۰ مدیریت ریسک، تهران، نور علم.
9. AIRMIC. (2010), a Structured Approach to Enterprise Risk Management (ERM) and the Requirements of ISO31000, Alarm, IRM, London.
10. AM. Best CO. (2014), Risk Management and the Rating Process for Insurance Companies.
11. Blanchard, I. & Ralph, S. (2016), International ORSA Regulatory Requirements, IAA.
12. Casualty Actuarial Society (CAS). (2003), Overview of Enterprise Risk Management, Enterprise Risk Management Committee.
13. Chapman, R.J. (2006), "Simple Tools and Techniques for Enterprise Risk Management". John Wiley & Sons- Ltd.
14. Committee of European Insurance and Occupational Pensions Supervisors (CEIOPS). (2010), Guidance on Own Risk and Solvency Assessment (ORSA).
15. Committee of European Insurance and Occupational Pensions Supervisors (CEIOPS). (2013), Guidelines on System of Governance, Consultation Paper, No. 13/08.
16. Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (COSO). (2004), Enterprise Risk Management – Integrated Framework: Executive Summary.
17. Diposit Insurance Corporation of Ontario (DICO). (2011), Enterprise Risk Management: Application Guide.
18. Doff, R. (2011), Risk Management for Insurers, Second Edition, Risk Books, UK.
19. Doff, Rene (2006), Risk Management for Insurance Firms: A Framework for Fair Value and Economic Capital, Universiteit Twente, PhD Thesis, Spain.
20. Ernest & Young. (2014), Enterprise Risk Management in Japan.
21. Federation of European Risk Management Associations. (2002), a Risk Management Standard (FERMA), AIRMIC, Alarm, IRM, London.
22. FSB-Sub Committee ORSA and Use Test Task Group. (2013), Solvency Assessment and Management: Pillar 2: Own Risk and Solvency Assessment, Discussion Document 34 (v 4).
23. Gatzert, N., Schmeiser, H. & S. Schuckmann (2007), Enterprise Risk Management in Insurance Groups: Measuring Risk Concentration and Default Risk, Working Paper, No. 40.
24. Gunnarsson, B. (2013), Risk Management in Almenni Collective Pension Fund, Reykjavík University, MSc Thesis.
25. Ingram, D. (2015), Guide To ERM, Willis Towers Watson Wire, Internet Based Paper.
26. International Actuarial Association (IAA). (2004), a Global Framework for Insurer Solvency Assessment, A Report by the Insurer Solvency Assessment Working Party of IAA, Ontario.
27. International Actuarial Association (IAA). (2010), Practice Note on IAIS Notes on the Use of Internal Models for Risk and Capital Management Purposes by Insurers, Ontario, Guidance Paper.
28. International Actuarial Association (IAA). (2015), Deriving Value from ORSA, Ontario.

29. International Association of Insurance Supervisors (IAIS). (2006), Standard and Guidance on Internal Models (in ICP 17 Capital Adequacy), Guidance Paper.
30. International Association of Insurance Supervisors (IAIS). (2007a), Note on Enterprise Risk Management for Capital and Solvency Purposes in the Insurance Industry, Guidance Paper.
31. International Association of Insurance Supervisors (IAIS). (2007b), Main Elements of Insurer's Corporate Governance, Guidance Paper.
32. International Association of Insurance Supervisors (IAIS). (2008a), Enterprise Risk Management for Capital Adequacy and Solvency Purposes, Guidance Paper.
33. International Association of Insurance Supervisors (IAIS). (2008b), Enterprise Risk Management for Capital Adequacy and Solvency Purposes, Standard Paper.
34. International Association of Insurance Supervisors (IAIS). (2015), Insurance Core Principles, Standards, Guidance and Assessment Methodology.
35. Jones, B. (2013), Insurance Enterprise Risk Management Practices, American Academy of Actuaries (AAA), Washington, D.C., a Public Policy Practice Note.
36. Jorion, P. (2009), Financial Risk Manager Handbook, Fifth Edition, John Wiley & Sons Ltd., London.
37. Kight, A. (2012), Considering Risk Appetite Using Quantitative Risk Analysis, Aon.
38. KPMG. (2010), Enterprise Risk Management for Insurers: China Survey.
39. KPMG. (2012), System of Governance under Solvency II.
40. Lambert Jahson. (2014), Own Risk and Solvency Assessment (ORSA) Summary Sample Outline Including Explanations.
41. Lavelle, D. Et Al. (2010), the Solvency II ORSA Process, CEIOPS.
42. Lloyds. (2008), Risk Management Toolkit, London.
43. Malley, P. & Phelan, E. (2013), ORSA- An International Requirement, Milliman, Dublin.
44. Malta Financial Services Authority (MFSA). (2010), the System of Governance under Solvency II.
45. Monetary Authority of Singapore (MAS). (2013a), Enterprise Risk Management for Insurers, Consultation Paper.
46. Monetary Authority of Singapore (MAS). (2013e), Guidelines on Risk Management Practices- For Insurance Business Core Activities.
47. NAIC. (2012), Risk Management and Own Risk and Solvency Assessment Model Act, Financial Condition (E) Committee, New York.
48. NAIC. (2012), Risk-Based Capital for Insurers Model ACT, New York.
49. NAIC. (2014), NAIC Own Risk and Solvency Assessment Guidance Manual, New York.
50. Ozdemir, B. (2014), ORSA: Design and implementation, Risk Books (Laurie Donaldson), Spain.
51. Risk and Insurance Management Society (RIMS). (2011), an Overview of Widely Used Risk management Standards and Guidelines.
52. Sandström, A. (2007), "Handbook of Solvency for Actuaries and Risk Managers: Theory and Practice", Chapman & Hall/CRC, Boca Raton.
53. SCOR (FOCUS). (2009), Enterprise Risk Management (ERM): A Driving Force for the Insurance Industry, France.
54. Society of Actuaries (SOA). (2006), Enterprise Risk Management: Specialty Guide.
55. Towers Watson. (2014), Engaging the business in Solvency II.
56. Tripp, M. & Et.Al. (2004), Quantifying Operational Risk In General Insurance Companies, Institute of Actuaries and Faculty of Actuaries.
57. Wang, S. & Faber, R. (2006), Enterprise Risk Management for Property-Casualty Insurance Companies, Casualty Actuarial Society (CAS) & Society of Actuaries.